

اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی، توصیف و طبقه‌بندی گونه‌نامه

(ص ۶۶ - ۴۷)

مریم درپر (نویسنده مسئول)؛ ابوالقاسم قوام^۱، محمود فتوحی رود معینی^۲، محمدرضا هاشمی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۷/۳۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۱۰/۱۹

چکیده:

یکی از مطالعات پایه‌ای و بنیادی جهت انجام پژوهش‌های سبک‌شناسی، شناخت گونه‌ها (ژانرها) و رده‌بندی آنهاست. آنچه نامه‌ها، مکتوبات، مکاتیب، منشآت یا ترسّلات نامیده شده، یکی از گونه‌های نوشتاری است که بعنوان بخشی از فرهنگ و ادبیات قوم ایرانی نیازمند مطالعات هدفمند و دامنه‌داری هستند اما هنوز به عنوان یک گونه نوشتاری چندان مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته‌اند. نامه یک رسانه ارتباطی است که بوسیله آن فرد پیامی را به دیگری انتقال میدهد؛ برای مقاصد مختلفی مانند اطلاع دادن، دستور دادن، ترغیب کردن، اطمینان دادن و ... در نامه‌ها معمولاً مخاطب فرد معینی است، داشتن مخاطب معین به اینگونه نوشتاری ویژگی‌هایی داده که آن را از سایر گونه‌های نثر (علمی، ادبی، تاریخی، مقامه، داستان نویسی و ...) متمایز کرده است. شناخت این ویژگی‌ها و رده‌بندی نامه‌ها مسأله‌ای است که پژوهش حاضر بدان می‌پردازد؛ پرسش‌های مطرح در پژوهش این است که در گونه نامه چه ویژگی‌های شاخصی وجود دارد که آن را از دیگر گونه‌های نثر متمایز میکند؟ چگونه و با چه متغیرهایی میتوان به رده‌بندی نامه‌ها پرداخت به گونه‌ای که شباهتهای آنها جهت نظم یافتن در یک رده و تفاوتشان برای قرار گرفتن در رده‌های متفاوت آشکار شود؟ هدف تحقیق این است که با پرداختن به اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی، توصیف و رده‌بندی، زمینه را برای انجام مطالعات و پژوهش‌های سبک‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی و بررسی رابطه قدرت در نامه‌ها و ... در حوزه نامه‌نگاری فارسی فراهم کند. در این پژوهش، بافت بیرونی و عناصر مهم بافت موقعیتی که عبارتند از: نویسنده، مخاطب، نوع رابطه آنها و کنش یا کارکرد نامه بعنوان مبنای توصیف و طبقه‌بندی نامه‌ها در نظر گرفته شده است.

کلمات کلیدی:

نامه، رده‌بندی، نویسنده، مخاطب، کارکرد.

۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد Dorpar90@gmail.com

۲ - استادیار دانشگاه فردوسی مشهد - استاد راهنمای پایان نامه

۳ - استادیار دانشگاه فردوسی مشهد - استاد مشاور اول

۴ - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد - استاد مشاور دوم

۱- در آمد: بیان مسأله، ضرورت طرح آن، هدف و پرسشهای تحقیق

نامه‌ها، بخش قابل‌توجهی از تاریخ تمدن و فرهنگ سرزمین ما را به صورت میراث مکتوب به نسل‌های بعد انتقال داده‌اند و از نظر تاریخی اطلاعات مهمی را درباره پادشاهان، امرا، رجال دولتی، علما، فقها و مشاهیر روزگار خود در بر دارند و حاوی آگاهیهای مفیدی درباره نحوه تعامل اجتماعی افراد با یکدیگر، آداب و رسوم اجتماعی از قبیل تهنیت، بشارت، تعزیت، فتح و پیروزی، شکست و دلجویی و ... هستند. همچنین اطلاعات سودمندی درباره وضعیت اجتماعی، اقتصادی و رفاهی مردم ولایتهای مختلف در دوره‌های گوناگون تاریخی به خوانندگان و پژوهشگران امروزی میدهند تا بتوانند با گذشته تاریخی خود ارتباط برقرار کنند. اطلاعاتی که نامه‌ها به ما میدهند از این جهت حائز اهمیت است که در شمار منابع دست اول قرار میگیرند؛ بسیاری از این مجموعه‌ها در زمان نویسنده یا در روزگار پادشاهی که این نویسندگان در دربار آنها کار میکردند، تألیف شده‌اند. با توجه به اینکه در برخی از دوره‌های تاریخی تعداد منابع دست اول اندک است، اهمیت نامه‌ها دوچندان میشود. بعلاوه اینکه نامه‌ها اسناد تاریخی بحساب می‌آیند و ارزش اطلاعات آنها از کتابهای تاریخ بیشتر است. موضوع دیگری که بر اهمیت این گونه نوشتاری می‌افزاید توجه به وضعیت‌گزینش و تربیت نویسندگان نامه‌هاست؛ دبیرانی که به دیوان رسالت راه پیدا میکردند، افراد لایقی بودند و بعد از اثبات شایستگی‌شان اجازه نوشتن نامه به آنها داده میشد. این سخت‌گیری در گزینش دبیران، به جهت اهمیتی بوده که نامه‌نگاری در روابط حکومتها با یکدیگر داشته و رعایت شأن مخاطب، بویژه مخاطب فرا دست، یک ضرورت به حساب می‌آمده است. همچنین تقویت حشمت و عظمت یک پادشاهی در نظر فرودستان و ایجاد آرامش و امنیت در بلاد و سرزمینهای تحت امر او تا حد زیادی به نحوه مکاتبات و درجه اطمینانی که در این نامه‌ها به شحنگان، حاکمان و رعیت داده میشد، بستگی داشت.

انجام این پژوهش به این جهت ضروری است که نامه‌ها بعنوان بخشی از فرهنگ و ادبیات قوم ایرانی نیازمند مطالعات هدفمند و دامنه‌داری هستند اما هنوز بعنوان یک گونه نوشتاری در زبان فارسی چندان مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته‌اند.

۲-۱ پیشینه تحقیق

در ارتباط با نامه‌های فارسی، در سال ۱۹۷۱ کتابی با عنوان شناخت نامه‌نگاری فارسی از بابر تا شاه جهان، مطالعه‌ای در باب انشاء، دارالانشاء و منشیان^۱ به زبان انگلیسی به چاپ

رسید. این پژوهش همزمان با چندین پژوهش در باره نامه‌های یونانی و پژوهشی در باب نامه‌های مصری^۱ در دهه هفتاد میلادی انجام پذیرفت. اگرچه تحقیقات در نامه‌نگاری قدیم یونان و روم^۲ تاکنون ادامه یافته است اما نامه‌نگاری فارسی مورد تحقیق و پژوهش جدی قرار نگرفت و تعداد پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بسیار اندک است؛ موارد زیر از جمله این پژوهش‌هاست:

محمد رضا حاج‌آقابابایی (۱۳۸۲: ۹۲ - ۱۲۷) بخشی از رساله دکتری خود را با عنوان «بررسی نثر در دوره قاجار و تعیین حوزه‌های آن» به منشآت نویسی و رسایل اداری دوره قاجار اختصاص داده و به توصیف ویژگی‌های نثر منشیانه این عصر و به معرفی نویسندگان برتر این دوره پرداخته است.

پایان نامه کارشناسی ارشد مریم فضائلی (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی سه متغیر زبانی شیوه بیان، صورتهای ارجاعی (ضمایر) و القاب در مکتوبات مولانا» به بررسی سه متغیر زبانی مذکور در نامه‌های مولانا اختصاص یافته است. درباره نامه‌های مولانا نیز دو مقاله با عنوانهای «ارزش ادبی مکتوبات مولانا» (حداد عادل، ۱۳۸۱) و «چهره مولانا در آلبوم شخصی او» (همان) به چاپ رسیده است. در مقاله نخست، نویسنده هدف از نگارش مقاله را شناساندن مکتوبات مولانا به خوانندگان عنوان کرده است و در مقاله دوم، از تفاوت‌های نامه‌ها با مثنوی و غزلیات شمس سخن گفته و اینکه مکتوبات در چه‌ای است به زندگی خصوصی مولانا و به ما این امکان را میدهد که از نزدیک تصویری واقعیت‌تر، دقیق‌تر و کامل‌تر از شخصیت او ترسیم کنیم.

۳-۱ مبانی نظری و روش تحقیق

در این پژوهش با تکیه بر آرای کلاسیک^۳ که به طبقه‌بندی گونه‌ها اهمیت میدهند، به توصیف و طبقه‌بندی گونه نامه پرداخته شده؛ روش پژوهش بدینگونه است که ابتدا ویژگی‌های متمایز این گونه نوشتاری را - با توجه به ویژگی شاخص نامه‌ها (داشتن مخاطب

^۱ - Egyptian epistolography from the Eighteenth to the Twenty-first Dvnasty (Bibliothèque d'etude) by Abd el-Mohsen Bakir (Paperback - 1970)

^۲ - Logical epistolography.(letter writing): An article from: Word Ways (Digital - Dec 5, 2005) – HTML A Study in Greek Epistolography: The Form of the Ancient Greek Letter by Francis Xavier J. Exler (Paperback - Apr 2003)

^۳ - رای دیدن بنیان‌های نظریه ژانر (گونه‌شناسی) در بوطیقای ارسطو و آثار رتوریک‌شناسانی مانند سیسرون، کوئین تیلیان و هوراس نک. به نقد ژانر؛ مکاریک، ۱۳۸۸: ۳۷۱ - ۳۷۲

معین) و با در نظر گرفتن ساختار آنها - برمی‌شماریم سپس با توجه به بافت بیرونی و موقعیت متن، گونه‌نامه را طبقه‌بندی و توصیف می‌کنیم.

-۱

نگاهی اجمالی به نامه‌نگاری در زبان فارسی

نامهٔ تنسر به جشنسف (گشنسب) جزو معدود آثار باقیمانده از زبان پهلوی است که پژوهشهای مربوط به نامه‌نگاری را به دوران قبل از اسلام مرتبط می‌کند. بنا بر نظر بیشتر پژوهشگران (مینوی، ۱۳۱۱: ه-ک) این نامه را شخصی به نام تنسر- زاهدی که در منابع کهن به او عنوان هیربذان هیربذ (رئیس نگهبانان آشکده) اردشیر پاپکان (در سال ۲۲۶ میلادی به‌عنوان شاهنشاه کشور ایران بر تخت نشست) داده‌شده - به جشنسف - شاه و شاهزادهٔ طبرستان و فدشوارگر (جیلان و دیلمان و رویان و دنباوند) نوشته‌است.

بعد از اسلام شاید بتوان محمد بن وصیف، دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری را نخستین دبیر رسمی دانست (بهار، ۱۳۶۹: ۸۴۲). پس از وی در قرن چهارم دبیران نامبرداری همچون بونصر مشکان، صاحب دیوان رسالت محمود و مسعود و شاگرد وی ابوالفضل بیهقی، دبیر دیوان رسایل محمود و مسعود پدید آمده‌اند. اما تدوین منشآت و جمع و تألیف آن توسط نویسنده یا شخص دیگر، از دوران غزنویان و بوسیلهٔ بیهقی آغاز شده و در اواخر عهد سلجوقیان به کمال خود رسیده است. در تاریخ بیهقی تعداد نامه‌هایی که به صورت کامل آمده، اندک است؛ به لحاظ این که بیهقی نامه‌های خودش و استادش بونصر را در ضمن یک نوشتار تاریخی آورده نه در مجموعه‌ای مستقل با عنوان «نامه‌ها» بنابراین در بیشتر موارد بخشی از نامه را آورده و یا دربارهٔ محتوای نامه توضیحاتی داده است مانند این نمونه:

و با اینهمه نامه نبشت به بوری تگین و رسول فرستاد و زشتی این حال که رفت بوخش و ختلان باز نمود و مصرّح بگفت که «سلطان از غزنین حرکت کرد، و اگر تو بطاعت می‌آیی، اثر طاعت نیست» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۳/۸۸۸).

قدیمی‌ترین مجموعهٔ نامه‌هایی که اکنون در دست داریم، از دو دبیر اواسط قرن ششم است: یکی رشیدالدین، دبیر خوارزمشاهیان و دیگری همکار معاصر وی منتجب‌الدین بدیع اتابک جوینی منشی و صاحب دیوان انشای سلطان سنجر که منشآت دیوانی و اخوانیات خود را در مجموعه‌ای به نام عتبه‌الکتابه گرد آورده است. بهاء‌الدین محمد بغدادی، منشی علاء‌الدین تکش خوارزمشاه (که از سال ۵۶۸ - ۵۹۶ سلطنت کرد)، نیز به تقلید از آن دو منشی بزرگ منشآت خود را در مجموعه‌ای به نام «التوسل الی الترسل» جمع‌آوری کرده - است.

دوره سلجوقیان، خوارزمشاهیان و ایلخانان مغول به دلیل وجود آثار فراوان در زمینه ترسل و انشا و اهمیت آنها، مهمترین دوره منشآت نویسی در زبان فارسی است. این دوره ممتد در تاریخ ایران دوره ترقی و رواج ترسل و انشای فارسی است. از علل عمده این ترقی، وجود مدارس متعدد در شهرهای مختلف، تعلیم و تربیت شاگردان، تشویق و ترغیب سلاطین و وزراء و انگیزه‌های رسیدن به مقامات عالی در تشکیلات سلطنتی بوده است (وطواط، ۱۳۳۸: ۷۹).

منشآت فارسی که راه دشوارنویسی و صنعت‌پردازی را می‌پیمود در دوره قاجار و عصر مشروطه دچار تحول شد و به ساده‌نویسی روی آورد. امیر نظام گروسی، قائم‌مقام فراهانی، فرهادمیرزا معتمدادوله و یغمای جندقی از جمله کسانی هستند که در این تحمل پیشگام بوده‌اند.

علاوه بر منشآت نویسی، مجموعه نامه‌هایی در خارج از تشکیلات دربار به نگارش درآمده که متعلق به بزرگان دینی، زاهدان و صوفیان بوده از قبیل: مکاتیب سنایی، مکاتیب فارسی غزالی، مکتوبات مولانا جلال‌الدین رومی، نامه‌های عین‌القضات همدانی، مکاتیب عبدالله قطب بن محیی و ... یا متعلق به بزرگان سیاسی، وزیران و سفیران مانند: نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی، نامه‌های امیرکبیر، نامه‌های سیاسی دهخدا و ... یا بزرگان ادب و هنر نویسنده آنها بوده‌اند، مانند: کشتی و توفان، نامه‌های جلال آل‌احمد، نامه‌های کمال‌الملک، نامه‌های ادوارد براون به سید حسن تقی‌زاده و ...

با توجه به تنوع و تعداد زیاد نامه‌ها، توصیف و طبقه‌بندی گونه‌نامه جزو مطالعات پایه در این زمینه است؛ بازیابی ویژگیهای هویت‌بخش گونه‌نامه و در نظرگرفتن مبنایی برای طبقه‌بندی نامه‌ها و زیرگونه‌های مختلف آن شروعی برای این توصیف و طبقه‌بندی به حساب می‌آید.

۲-۱ ویژگیهای هویت‌بخش ژانر نامه

ویژگیهای مشابه در اسلوب نوشتار نامه‌ها، به نامه‌نگاری فارسی هویت خاصی داده که در عین رابطه داشتن با دیگر انواع نثر، گونه‌ای مستقل به حساب می‌آید. با مطالعه نمونه‌های گوناگون نامه‌ها این ویژگیهای مشابه قابل بازیابند. بعلاوه بررسی تقابلی اسلوب نوشتار نامه‌ها با ویژگیهای عمومی نثرهای علمی، ادبی، تاریخی، مقامه‌نویسی، داستان نویسی و غیره ویژگیهای متمایز گونه‌نامه را از سایر گونه‌های نثر نشان میدهد.

۲-۱-۱ ویژگیهای مشابه در اسلوب نوشتار نامه‌ها

در نامه‌ها معمولاً مخاطب فرد معینی است، داشتن مخاطب معین به این گونه نوشتاری ویژگی‌هایی داده که آن را از سایر گونه‌های نثر متمایز کرده‌است. براساس مطالعه و بررسی نمونه‌های مختلف نامه‌ها، موارد زیر را بعنوان ویژگی‌های مشابه اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی میتوان نام برد:

- در گونه نامه ذکر القاب و عناوین مخاطب و دعا در حق او چه به اختصار و چه با اطناب رایج بوده است.

- در مقدمه نامه‌ها، علاوه بر دعای مخاطب، آرزوی توفیق و سعادت برای او، پرسش از حال و روز او معمول بوده و در مواردی از نامه‌ای که قبلاً برای نویسنده فرستاده و یا کاری که برای او انجام داده سپاسگزاری شده است.

- در متن اصلی، خواسته نویسنده یا هدف نوشتن نامه مطرح میشود که یکی از موارد ترغیب مخاطب به کمک و یاری رساندن به کسی، آزادکردن شخصی، اعلام حمایت و پشتیبانی از مخاطب یا فردی دیگر، شکایت از شخص یا گروهی، نصیحت کردن مخاطب، دفاع از خود یا دیگری، واگذار کردن حکومت ولایت، قاضی‌القضاتی شهر، خطابت مسجد، تدریس مدرسه، نقابت سادات، و ... را در بر میگیرد.

- در بخش پایانی، نویسنده معمولاً نامه را با دعا در حق مخاطب و در مواردی با سفارشهای لازم به پایان رسانده است.

- حجم نوشتار نامه‌ها، بین یک تا چهار صفحه متغیر است اگرچه در بین نامه‌ها منشور هفده صفحه‌ای نیز وجود دارد (بغدادی، ۱۳۸۵: ۱۳ - ۳۰). حجم نامه‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی متفاوت است؛ در برخی دوره‌ها تحت تأثیر فنون نویسندگی رایج عصر و مواردی از قبیل موزون و مسجع نوشتن و آوردن جملات موازی و مترادف قرار گرفته و با تأثیرپذیری از اطناب معمول دوره مورد نظر، اگرچه نویسنده در چند سطر میتواند مقصود خود را بیان کند، نامه در حد چندین صفحه گسترش یافته است.

علاوه بر تأثیری که فنون نویسندگی رایج در هر دوره بر حجم نامه‌ها دارد، مواردی از قبیل جایگاه مخاطب و موضوع نامه نیز در ایجاز و اختصار و یا اطناب و در نتیجه در حجم نامه تأثیر دارد؛ چنانکه در مجموعه نامه‌هایی که متعلق به دوره تاریخی واحد و حتی یک نویسنده است، به تناسب مخاطب و جایگاه او، اهمیت موضوع نامه و زیرگونه‌ای که نامه در آن رده قرار می‌گیرد (منشور ولایت، تهنیت‌نامه، سفارشنامه و...) حجم نوشتار نامه‌ها ممکن است کم یا زیاد باشد.

۲-۱-۲ ویژگیهای متمایز گونه نامه از سایر گونه‌های نثر

بررسی تقابلی اسلوب نوشتار نامه‌ها با ویژگیهای عمومی نثرهای علمی، ادبی، تاریخی، مقامه‌نویسی، داستان نویسی و غیره نشان میدهد که نامه‌ها از نظر اسلوب نوشتار دارای ویژگیهای متمایز از سایر گونه‌های نثر فارسی (نثر علمی، ادبی، تاریخی، مقامه، داستان نویسی و غیره) است. از جمله:

- در این گونه نوشتاری، مخاطب فرد معینی است که در بیشتر موارد نام، لقب و منصب او در مقدمه نامه ذکر میشود اما مخاطب در سایر انواع نثر، طیف گسترده‌تری را در بر میگیرد و مشخصاً به فرد خاصی ارجاع داده نمیشود.
- سه بخش مقدمه، متن اصلی و بخش پایانی در نامه‌ها مشخص‌تر از دیگر انواع نثر است و ویژگیهایی دارند، که گونه نامه را از دیگر گونه‌های نثر متمایز میکند. در مقدمه عنوان و لقب مخاطب ذکر و در حق او دعا میشود. در متن اصلی خواسته نویسنده یا همان هدف نوشتن نامه مطرح میگردد و نامه با دعای مخاطب و یا آرزوی دیدار او به پایان میرسد.

نامه‌ها نسبت به نثرهای علمی، تاریخی و داستانی حجم محدودتری دارند. بعد از برشمردن ویژگیهای مشترک در اسلوب نامه‌نگاری فارسی و ویژگیهای متمایز آن، پرداختن به طبقه‌بندی این گونه نوشتاری ضرورت دارد. رده‌بندی نامه‌ها به مبنایی نیاز دارد، در این پژوهش بافت بیرونی و بافت موقعیتی متن به‌عنوان معیاری برای طبقه‌بندی در نظر گرفته میشود.

۲-۲ بافت بیرونی و بافت موقعیتی نامه‌ها معیاری برای طبقه‌بندی

نامه یک رسانه ارتباطی است که بوسیله آن فرد پیامی را به دیگری انتقال میدهد؛ برای مقاصد مختلفی مانند ارشاد کردن و اندرز دادن، اظهار اطاعت نمودن، تهنیت فرستادن، دلجویی کردن، درخواست عفو و بخشایش، اعلام فتح و پیروزی، واگذاری مشاغل گوناگون و ... در نامه مانند هر متن نوشتاری و یا گفتاری عناصر زیر را میتوان در نظر گرفت:

بافت موقعیتی

مخاطب (گیرنده) → پیام → خطاب کننده

به نظر میرسد، بر مبنای این عناصر بتوان گونه‌های اصلی و زیرگونه‌های نامه در زبان فارسی را طبقه‌بندی و توصیف کرد. طبقه‌بندی و توصیف بر مبنای بافت بیرونی و بافت موقعیتی متن؛ بافت بیرونی نامه: موقعیت فیزیکی یا اجتماعی متن و به عبارت دیگر فضایی است که نامه در آن به نگارش درآمده است و آنچه به عنوان موقعیت متن در نظر گرفته می‌شود موارد «نویسنده، مقام و موقعیت اجتماعی و علمی او، مخاطب، مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی او، هدف متن یا همان نقش و کارکرد آن» (لیچ، ۱۹۸۱: ۱۳) را شامل میشود.

ابتدا بر اساس بافت بیرونی، نامه‌ها را به دو زیرگونه درباری و غیر درباری و سپس هر یک را با توجه به مقام و موقعیت نویسنده، مقام و موقعیت مخاطب، نوع رابطه نویسنده و مخاطب و کارکرد نامه رده‌بندی خواهیم کرد.

۲-۲-۱ نامه‌های درباری و غیردرباری

بر مبنای بافت بیرونی و فضای فیزیکی و اجتماعی، نامه‌های فارسی به دو زیرگونه درباری و غیردرباری قابل تقسیم است. مقصود از نامه‌های درباری همان منشآت یا مجموعه ترسلات است که در دیوان رسائل دربار توسط دبیران آموزش‌دیده نوشته شده است. این نامه‌ها به دستور پادشاه، امیر، شهنشاه و... نوشته می‌شود و در واقع انعکاس‌دهنده نظرات و اندیشه‌های شخص صاحب‌قدرتی است که دستور نوشتن نامه را داده است. البته میزان تبخّر نویسنده نامه در انتقال درست دیدگاه‌های او بسیار اثرگذار بوده از این رو بکارگیری دبیران حاذق بسیار مورد تأکید نهاد قدرت بوده است. عتبة‌الکتبه (منتجب‌الدین بدیع جویی،)، نامه‌های رشیدالدین وطواط، التوسل الی الترسل (بهاء‌الدین محمد بغدادی،) و ... جزو این دسته‌اند.

منظور از نامه‌های غیردرباری، نامه‌هایی است که خارج از این تشکیلات به نگارش درآمده‌اند. این نامه‌ها به دو دسته قابل تقسیم است؛ الف- نامه‌هایی که اگر چه نویسندگان آنها بیرون از تشکیلات درباری بوده‌اند اما نامه‌هایشان معطوف به نهادهای قدرت بوده مانند نامه‌های امام محمد غزالی، نامه‌های سنایی، نامه‌های مولانا که مخاطبانشان عمدتاً ارباب قدرت (پادشاهان، وزیران و ...) است. هرچند در این مجموعه‌ها نیز نامه‌هایی وجود دارد که مخاطب آنها عالمان، قاضیان و یا کسان دیگرند. ب- نامه‌هایی که نویسنده و مخاطب، هر دو بیرون از دستگاه قدرت جای دارند مانند نامه‌های عین‌القضات همدانی که مخاطب نامه‌های او بیشتر مریدان و شاگردان اویند. عین‌القضات نامه‌هایی نیز دارد که مخاطب

خاصی نداشته و با هدف تبیین اصول عرفانی مد نظر او به نگارش درآمده، این دسته از نامه‌های او را میتوان نامه‌های با مخاطب عام نامید.

۲-۲-۲ رده‌بندی نامه‌ها بر اساس مقام و موقعیت مخاطب

مخاطب نامه‌های درباری و یا نامه‌های معطوف به نهاد قدرت، عموماً پادشاهان، وزیران، امیران، قضایان، دبیران، فقیهان و عالمان بوده، این نامه‌ها را میتوان بر اساس مقام و موقعیت مخاطب دسته‌بندی کرد. این شیوه دسته‌بندی در گذشته نیز معمول بوده، نامه‌های امام محمد غزالی بر این اساس رده‌بندی شده است. این مجموعه را یکی از نزدیکان غزالی، به درخواست جمعی از طالبان کلام او با نام *فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام* گرد آورده و این گونه فصل‌بندی کرده است: باب اول «در نامه‌هایی که به ملوک و سلاطین نوشته»، باب دوم «در نامه‌هایی که به وزیران نوشته است»، باب سوم «در آنچه به امرا و ارکان دولت نوشته»، باب چهارم «در آنچه به فقها و ائمه دین نوشته» (مکاتیب فارسی غزالی).

۲-۲-۳ رده‌بندی نامه‌ها بر مبنای مقام و موقعیت نویسنده

نامه‌ها را بر اساس مقام و موقعیت نویسنده میتوان رده‌بندی کرد زیرا مجموعه نامه‌ها یا متعلق به بزرگان دینی، زاهدان و صوفیان است مانند: *نامه تنسر به جشنسلف*، نامه‌های پیامبر در مجموعه‌ای به نام *وثائق* نامه‌های امام علی در *نهج البلاغه*، مکاتیب سنایی، مکاتیب فارسی غزالی، مکتوبات مولانا جلال‌الدین رومی، نامه‌های عین‌القضات همدانی، مکاتیب عبدالله قطب بن محیی و یا بزرگان سیاسی، وزیران و سفیران مانند: نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی، نامه‌های امیرکبیر، نامه‌های سیاسی دهخدا، نامه‌های الکساندر گریبایدوف درباره ایران، نامه‌های خصوصی و گزارشهای محرمانه سر ریدر بولارد، نامه‌های تیرباران‌شده‌ها از لوئی آراگون و یا بزرگان ادب و هنر مانند: کشتی و توفان، نامه‌های جلال آل‌احمد، نامه‌های کمال‌الملک، نامه‌های ادوارد براون به سید حسن تقی‌زاده. از این رده، بعنوان نمونه به توصیف ویژگی‌های نامه‌های صوفیانه و منشیانه میپردازیم.

۲-۲-۳-۱ نامه‌های صوفیانه

نمونه برجسته نامه‌های صوفیانه، نامه‌های عین‌القضات همدانی است. او گاه نامه‌هایش را تحت تأثیر «حال» و «وقت» مینوشته؛ و ندانم که وقت چه املا خواهد کرد (نامه‌های عین‌القضات، ۱۳۴۸، ج ۲: ۱) و ندانم که وقت چه اقتضا کند (همان: ۱۸۵) و چیزها نویسم

بیخود (همان: ۱۹۷) اگر نویسم هم شاید اگر نویسم هم شاید اگر گویم هم شاید اگر خاموش باشم هم شاید (همان: ۱۹۸).

در نامه‌های صوفیانه ویژگیهای زیر مشهود است:

در این نامه‌ها از تعبیرات و ترکیبات مربوط به تصوف به فراوانی استفاده شده است: مردان دیده‌ور (همان: ۲۰۰)، نارسیدگان (همان)، علم یقینی (همان: ۲۴۷)، نور سیاه (همان: ۲۵۵)، قبض و بسط (همان: ۲۰۰)، سکر و مستی (همان)، سرالاسرار (همان: ۱۹۷)، نام بزرگان تصوف: ابوالحسن خرقانی (همان: ۲۴۹)، ارجاعات دینی از قبیل ابراهیم (همان: ۲۳۵)، جبرئیل (همان: ۲۳۶)، مسیح (همان: ۲۳۸)، سید اولین و آخرین (همان: ۲۴۲)، جلال ازل (همان)، رحمت ازل (همان: ۲۴۴)، جلالت لم یزل (همان: ۲۵۰). خرقه بیخردی، هجر، صحبت، وفای عهد، تازیانه جدایی، حربه هجر، آسیب دوری، کمال فراق، صدف دل، دست جفا، سرای دوستی، بستان محبت، خرمن صبر، یاد عاشقی، خلوص طویت، بی‌وفایی، ارادت (سنایی، ۱۳۷۹: ۴۹-۵۲)

در نامه‌های صوفیانه آیات قرآن و احادیث کاربرد زیادی دارد؛ نویسنده جهت برانگیختن مخاطب به انجام کاری، بازداشتن او از انجام عملی و یا برای تأیید آراء و عقاید خود به آیات و احادیث استناد میکند. البته، میزان کاربرد آیات و احادیث بسته به نقش و کارکرد نامه، نویسنده و مخاطب متفاوت است و با محتوای نامه متناسب است.

محتوای بیشتر نامه‌های عین‌القضات همدانی شرح و تأویل آیات و احادیث است: تأویل سوره حمد (همان، ۲/ ۲۲۵ - ۲۲۶)، تأویل و اللیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی (همان، ۲/ ۲۲۹ - ۲۳۱)، تأویل و خلق الذکر و انثی (همان، ۲/ ۲۳۵) و ...

سنایی (۱۳۷۹: ۵۳) نامه‌ای را که به خواجه احمد بن مسعود نوشته این‌گونه آغاز کرده است: قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: «اذا حشر الخلائق یوم القیامة، قال لعبد اصطنع الیه عبد من عباده معروفًا: «هل شکرتم عبدی؟» فیکول: «یا رب، ان ذلک منک. فشکرتمک علیه». فیکول الله عز و جل: «لم تشکرنی، اذا لم تشکر من اجریت ذلک علی یده» و سپس نامه را با شرح این حدیث ادامه میدهد.

از ویژگیهای مهم نامه‌های صوفیانه این است که در مواردی از قبیل دعا در حق مخاطب، ابراز دوستی و اظهار اشتیاق دیدار او، از نثر صوفیانه، نثری که در آن واژه‌ها، ترکیبات و تعبیرهایی که در توصیف عشق ازلی کاربرد دارد و واژه‌ها و تعبیرهایی که در تربیت نفس، ترک دنیا و جستن رضای خداوند بکار میرود و نیز ارجاعات دینی و آیات و احادیث در آن کاربرد فراوان دارد، استفاده میشود. سنایی حتی در مقدمه نامه‌ای که

موضوع آن درخواست مقداری آرد است، از واژه‌ها و ترکیباتی مانند: مستی، شرابخانه قدم و سرگذشت اصحاب کهف استفاده کرده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

قال عز من قائل و قوله الحق، «فليُنظر أَيها از کی طعاما». بخشش بینش بر بخشاینده آفرینش حکایت می‌کند از آن مستانی که بوی از شرابخانه قدم یافتند، و سیصد و نه سال در یک مستی بودند، و چون از ولایت شراب در ولایت طعام افتادند، وصیتشان به تملیخا این بود که «فليُنظر أَيها از کی طعاما».

غرض از این تشبیب و ترتیب این است که این آزادمرد خواجه عبدالصمد تملیخای من است و به مدد تو بزرگ محتاج اینک مدت چهار ماه است تا این عارضه عسر سیاه‌روی گونه من زرد کرده‌است. اگر خواهد که سر من سبز بماند و سینه حاسدان من کبود گردد، به سپیدی آرد مرا میزبانی کند (مکاتیب، سنایی: ۱۲۷-۱۲۸).

۲-۲-۳-۲ نامه‌های منشیانه

نامه‌های منشیانه، مشابهت‌هایی با نامه‌های صوفیانه دارند از جمله اینکه دارای ساختار مشابه مقدمه، متن اصلی و بخش پایانی هستند. در مقدمه و پایان این نامه‌ها، همانند نامه‌های صوفیانه دعا در حق مخاطب معمول بوده البته نوع دعاها و تعداد جملات دعایی متفاوت است. دعاهایی که در نامه‌های منشیانه بکار می‌رود، بیشتر آرزوی بقای قدرت دنیوی برای مخاطب است، مانند این نمونه که از جانب اتسز خوارزمشاه به حضور سلطان سنجر فرستاده شده است:

زندگانی خداوند عالم، سلطان بنی آدم، فرمانده شرق و غرب در پادشاهی و قدرت و جهاننداری و نصرت، دراز باز هزاران سال، اولیاء منصور، و اعداء مقهور، و سعادات حاصل، و کرامات متواصل، و ایزد تعالی، حافظ و ناصر و معین (نامه‌های رشید و طواط: ۶).

این دعاها به تناسب مقام و موقعیت مخاطب متفاوت بوده است. اما دعاهایی که در نامه‌های صوفیانه به کار رفته، بیشتر درخواست عدل و داد، توفیق انجام خیرات و نیکیها، و آرزوی حلم، کرم، شفقت، رأفت، احسان و مواردی از این قبیل برای مخاطب است. به تعبیر دیگر آنچه در این دعاها خواسته می‌شود کمال معنوی و اخلاقی مخاطب و در صورتی که از صاحبان قدرت باشد، توفیق خدمتگزاری او به مردم است.

در نامه‌های منشیانه نیز همانند نامه‌های صوفیانه آیات و احادیث کاربرد دارد، اما میزان و تنوع آیات و احادیث به کار رفته در نامه‌های منشیانه کمتر از نامه‌های صوفیانه است و در بیشتر موارد فقط در مقدمه نامه‌ها به کار رفته است. مانند نمونه زیر از مجموعه نامه‌های منتجب‌الدین بدیع جوینی که عنوان آن «منشور ایالت و شحنگی بلخ» است:

ثبات دولت و نظام شمل مملکت از نتایج و ثمرات افاضت عدل و اشاعت احسانست که بدان مأموریم از آفریدگار تبارک و تقدس آنجا که میگوید در مصحف مجید: ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی‌القربی و دیگر جای میگوید: و احسن کما احسن الله الیک، و صاحب شریعت سید انبیاء و رسل صلوات الله علیه و علیهم اجمعین گفته است: عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة (همان، ۷۴).

نامه‌های منشیانه با نامه‌های صوفیانه تفاوت‌های دیگری نیز دارند؛ از جمله اینکه در مقدمه نامه‌های منشیانه مخاطب با شاخصهای متعدد مورد خطاب قرار میگیرد اما در نامه‌های صوفیانه گاه این نوع خطابها به تمسخر گرفته شده: در دنیا تو را کامل‌الدوله میخوانند ارجو که در ملکوت نیز فردا تو را همین لقب بود (عین‌القضات، ۲/ ۲۳۵). تفاوت دیگر نامه‌های منشیانه با نامه‌های صوفیانه در نوع واژه‌ها، ترکیبات و تعبیرها و مجموعه رمزگانی است که بکار میبرند. در نامه‌های منشیانه رمزگان مربوط به نهاد حکومت کاربرد بیشتری دارد. واژه‌ها، ترکیبات و تعبیرهایی از قبیل:

دوام دولت، نظام مملکت، دارالملک، خاندان دولت، بقعه همایون، مناصب، سوابق حقوق، خدمات پسندیده، انعام، اندازه استحقاق، ولایت، دیوان خاص، معاملات، ارتفاعات (درآمد)، دیوان استیفاء، در تصرف و تدبیر او کردن، خدمت و مهم نازک، شهادت و غناء و حسن سیرت، منشور، ضبط و ترتیب این مهم، جملگی اموال، مجاملت با رعایاء ولایت، قبض و تصرف، آثار کفایت، توفیر و تمیز اموال، وجوه، ضبط و ترتیب، ثقات دیوان اشراف، دیوان ایالت و ریاست و مجلس قضا، اعزاز مقدم و احترام جانب، عمل برسم اوست، نایب ما، مصالح مهمات، رجوع با او کنند و ... (منتجب‌الدین، ۱۳۲۹: ۵۳-۵۵).

اما در نامه‌های صوفیانه چنانکه گذشت، رمزگان مربوط به نهاد تصوف بیشتر کاربرد دارد. وجه تمایز دیگر این که گفتمان قدرت در نامه‌های غزالی و نامه‌های مولانا با گفتمان قدرت در نامه‌های منشیانه تفاوتی اساسی دارد؛ در نامه‌های منشیانه نقطه مرکزی گفتمان «بقای حکومت» است و اگر در این نامه‌ها به خدماتی از قبیل گماشتن عاملان و قاضیان عادل، امن نگه داشتن راهها، آبادی کاروانسراها، کنترل قیمت بازار و ... سفارش میشود، به این منظور است که مردم راضی و دعاگوی حکومت باشند تا بقای حاکمان را در پی داشته باشد. ولی در نامه‌های غزالی و مولانا قضیه برعکس است؛ نقطه مرکزی گفتمان قدرت «مردم» است و در این نامه‌ها به صاحبان قدرت سفارش میشود که عادل، نیکوکار، اهل زهد و پرهیز و ... باشند تا مردم در رفاه و آسایش بسر برند.

۲-۲-۴ رده‌بندی بر اساس رابطه عمودی / افقی نویسنده و مخاطب

بر اساس نوع رابطه نویسنده و مخاطب، نامه‌ها به دو زیرگونه رسمی و دوستانه (اخوانیات) قابل تقسیم است. در نامه‌های رسمی، رابطه نویسنده و مخاطب از نوع عمودی - فرادست به فرودست یا بالعکس - است اما در نامه‌های دوستانه این رابطه افقی است. ساختار نامه، نحوه بیان (مستقیم و غیر مستقیم)، کاربرد شاخصها و ... در این دو گونه متفاوت است.

در نامه‌های دوستانه (اخوانیات)، گاهی جمله «زندگانی فلان دراز باد» جای جملاتی را میگیرد که در آنها نام و عنوان مخاطب به کار میرود و سپس نویسنده برای دیدار مخاطب اظهار اشتیاق میکند:

زندگانی فلان دراز باد ... هیچ حسرت و رنجم وراء آن نیست که از حضور حضرت جلت ممنوع و مدفوع مانده‌ام ... (همان: ۹۹).

در مواردی نیز نویسنده نامه از ذکر اشتیاق صرف نظر میکند با توجیهاتی از این قبیل: زندگانی فلان دراز باد، حکایت اشتیاق نبشتن و اخلاص را در موالات که اشهر من علم ادریس و کفر ابلیس است شرح دادن و حکایت حوادث گفتن و تفصیل آن در قلم گرفتن که در همه جانها از آن خبر است و در همه دلها از نکایت آن اثر، کار بیخبران و نبشته بیکاران باشد ... (همان: ۹۸).

سلام و تحیت فراوان فرستاده می‌آید، و در شرح آرزومندی شروع نمی‌رود ... (التوسل الی الترسل بهاءالدین بغدادی: ۱۴۹).

گاهی نیز مقدمه این گونه نامه‌ها با ابراز شادی نویسنده از نامه‌ای که قبلاً از مخاطب دریافت نموده، آغاز میشود: خطاب شریف که در دنیا اعتداد بوقت وصول آن باشد، بوسیدم و پیغام‌های مهیج مزعج مقیم مقعد که بر زفان فلان بود و در حال تبلیغ آن معتقد خویش، در موالات آن مجلس بر عالم‌الغیب عرض می‌کردم ... (همان: ۱۰۳).

۲-۵ رده‌بندی نامه‌ها بر اساس کارکرد نامه

هر نامه میتواند یک کارکرد اصلی داشته باشد که تحقق‌بخش هدف نویسنده از نوشتن نامه است. از این دیدگاه میتوان نامه‌ها را به انواع ارشادی، اندرزنامه، اطاعت‌نامه، تهنیت‌نامه، بشارت‌نامه، دلجویی‌نامه، عفونامه، سفارش‌نامه، شوق‌نامه و درخواست دیدار، عهدنامه، فتح-نامه، و واگذاری مشاغل گوناگون با عنوان‌هایی مانند منشور ولایت، منشور وزارت، منشور قضا، تقلید خطابت، تقلید تدریس مدرسه، تقلید نقابت سادات و ... تقسیم کرد. از آنجا که هر نامه ممکن است بیش از یک کارکرد داشته باشد، این رده‌بندی جزمی و قطعی نبوده و از سیالیت برخوردار است. اما معیارهایی مانند حجم نوشتاری که در نامه به یک کارکرد

خاص اختصاص داده شده، بافت متن و گاه ارتباط بین نامه‌ها، در تعیین کارکرد اصلی نامه می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

۲-۲-۵-۱ نامه‌های ارشادی

محتوای این نامه‌ها بطور کلی دربارهٔ انسان، سعادت و شقاوت او، مسائل مربوط به روح و روان او و راهنمایی او برای رسیدن به حق است. نامه‌های عین‌القضات را می‌توان نمونهٔ برجستهٔ این گونه نامه به حساب آورد.

۲-۲-۵-۲ اندرزنامه

نوعی نامهٔ ارشادی است اما به جهت داشتن مخاطب خاص که نام و لقب و گاه نسب او در نامه ذکر شده، و دلالت محتوای نامه بر وقایع خاصی که در زمان مخاطب و نویسنده اتفاق افتاده، می‌توان آن را از نامه‌های ارشادی متمایز دانست. نامه‌های غزالی عموماً از این گونه‌اند. (غزالی، ۱۳۶۲).

۲-۲-۵-۳ دلجویی‌نامه

در اینگونه نامه‌ها از شخصی که ناراحت و دلخور شده دلجویی می‌شود. ممکن است این دلخوری بین دو پادشاه یا پادشاه و زیردستانش و در مواردی بین پدر و فرزند، استاد و شاگرد و ... پیش آمده باشد (برای دیدن نمونه، رک. مکتوبات مولانا: ۷۱). در مجموعهٔ نامه‌های منتجب‌الدین بدیع جویینی، دلجویی‌نامه، «استمالت» نامیده شده است (ص ۶۲).

۲-۲-۵-۴ شوقنامه و درخواست دیدار

این گونه نامه‌ها اظهار دلتنگی و بیان اشتیاق دیدار مخاطب است. در صورتی که مخاطب فرادست باشد، نویسنده به او وعده می‌دهد که به حضورش خواهد آمد و در صورتی که فرودست باشد از او خواسته می‌شود که به حضور نویسندهٔ نامه بیاید (برای دیدن نمونه، رک. مکتوبات مولانا: ۶۳).

۲-۲-۵-۵ سفارشنامه

نویسنده در این گونه نامه‌ها برای یکی از فرزندان، دوستان یا شاگردان خود درخواست کمک مالی و یا شغلی در تشکیلات درباری می‌کرده است. مخاطب این نامه‌ها معمولاً وزیران و بزرگان درباری و خواجگان و ثروتمندانند. تعدادی زیادی از نامه‌های مولانا از اینگونه است.

۲-۲-۵-۶ عفونامه

در این گونه برای شخص مظنون، مجرم و زندانی درخواست عفو و بخشایش می‌شود (برای دیدن نمونه، رک. همان: ۷۵).

۲-۲-۵-۷ تهنیت‌نامه

این نامه‌ها به هنگام بر تخت نشستن پادشاهی، از جانب پادشاهان و حاکمان ولایت‌های دیگر نوشته شده است. در ابتدای نامه، جلوس پادشاه را تهنیت گفته و سپس روابط حسنه با آن پادشاهی را یادآوری و آرزوی دوام این روابط را نموده‌اند. این گونه نامه‌ها عموماً در مجموعه نامه‌های درباری جای دارند (برای دیدن نمونه رک. نامه‌های رشیدالدین وطواط: ۱۴-۱۵).

۲-۲-۵-۸ تعزیت‌نامه

این گونه نامه‌ها را به هنگام درگذشت یکی از بزرگان مینوشته‌اند (برای دیدن نمونه رک. همان، ۱۶).

۲-۲-۵-۹ اطاعت‌نامه

این گونه نامه‌ها از فرودستان (شاهی که قدرتش کمتر و حوزه حکومتش محدودتر بوده، حاکم ناحیه و ولایتی یا وزیران و کسانی که مورد سوء ظن قرار می‌گرفتند و ...) به فرادست (خلیفه، سلطان یا پادشاه مقتدر و ...) مینوشتند. نوشتن اطاعت‌نامه به هنگام جلوس پادشاه نوعی تجدید عهد به حساب می‌آمده، در مواردی نیز که پادشاهی در خطر بوده، حکومت‌های محلی برای اعلام حمایت اطاعت‌نامه مینوشتند (برای دیدن نمونه رک. همان، ۹).

۲-۲-۵-۱۰ فتح‌نامه

این گونه نامه‌ها بعد از دست دادن فتح و پیروزی در جنگ نوشته میشد، به منظور رساندن خبر پیروزیها به حضور پادشاه آن ولایت، فرماندهان لشکر، رعایا و پادشاهان دیگر تا از حشمت و شکوه آن پادشاهی باخبر شوند (برای دیدن نمونه رک. همان، ۷۱).

۲-۲-۵-۱۱ منشورها و فرمانها

در این گونه نامه‌های حکومتی، منصب‌هایی از قبیل فرمانروایی ولایت، مسند وزارت، قضاوت، تدریس مدرسه، خطابت مسجد و نقابت سادات به شخصی که شایستگی آن را داشته واگذار میشده است. در این نامه‌ها ابتدا شایستگی‌های فرد بیان شده سپس وظایف او شرح داده شده و از کسانی که باید از او تبعیت و یا به او کمک کنند نام برده میشد (برای دیدن نمونه‌ها رک. منشور قضای خوارزم (همان، ۷۴)، آنچه در نامه‌هایی رشید وطواط «منشور قضا» نامیده شده در نامه‌های دیگران عناوینی از این قبیل دارد: «تقلید (واگذار کردن) قضا ...» (منتجب‌الدین بدیع عقبه الکعبه: ۳۲)، «مثال در باب قضای ممالک زاده الله بسطته (بغدادی، التوسل الی الترسل: ۵۶).

۲-۲-۵-۱۲ عهدنامه

در این گونه نامه‌ها پیمانی بین شاه و خلیفه و یا دو پادشاهی به منظور تحکیم روابط و تنظیم مناسبات طرفین بسته میشد (برای دیدن نمونه رک. بیهقی، ۱۳۶۸: ۲/۴۵۲).

۳- بررسی گونه نامه در تعامل با جریان‌های اجتماعی

در شناخت گونه نامه آنچه اهمیت دارد، «شناخت الگوهای ژانری در قالب فرآیند، تعامل و تغییر» (مکاریک، ۱۳۸۸: ۳۷۹) است. منظور از الگوهای ژانری (الگوی گونه‌ها) در نامه‌نگاری، مطالعه مجموعه ویژگی‌های هر یک از زیرگونه‌ها در تعامل با نهادهای اجتماعی و تغییرات و تفاوت‌های آنها برحسب موقعیت است. آنچه در الگوها بررسی میشود، ساختار نامه (مقدمه، متن اصلی نامه و بخش پایانی)، بافت متن و ساختارهای زبانی (واژگانی، نحوی، کاربردشناسی و بلاغی) در تعامل با نهادهای اجتماعی است و در نهایت توصیف مجموع ویژگی‌هایی است که یک الگو را با نام‌هایی مانند الگوی زاهدانه، صوفیانه، واعظانه، عفونامه‌ها، سفارشنامه‌ها و ... تبیین میکند. نمونه‌های زیر، می‌تواند به روش شدن مطلب در اینباره کمک کند:

الگوی زاهدانه- قابل بازیابی در نامه‌های غزالی - در تعامل با نهادهای اجتماعی بویژه نهاد علم (علوم دینی) و نهاد حکومت شکل گرفته است. غزالی بعنوان یک عالم دینی زهدپیشه، در این الگو، آخرت را در برابر دنیا، سعادت را در برابر شقاوت، خواجگی کار دین را در برابر خواجگی کار دنیا قرار میدهد و مخاطب را که از صاحبان قدرت و یا از طیف وابسته به قدرت و حکومت است به رویگردانی از دنیا و گرایش به آخرت ترغیب یا الزام میکند.

مقدمه نامه‌های غزالی را- بعنوان بخشی از آنچه که در توصیف الگوی زاهدانه پرداختن به آن ضرورت دارد- مورد بررسی قرار میدهیم. مقدمه این نامه‌ها یا فاقد عناوین و القاب مخاطب و دعا و ثنای اوست، یا ذکر القاب و دعاها بسیار اندک است:

با توجه به اینکه نویسنده عالمی مانند غزالی و مخاطب یکی از صاحبان قدرت (شاه و وزیر) است، این مسأله را در جریان نحوه تعامل عالمان دینی و حاکمان بررسی میکنیم. مطالعه نامه‌ها و فرمانهای حکومتی دوره غزالی نشان میدهد که نهاد حکومت در صدد کنترل علمای دینی بوده است؛ عزل و نصب مدرّسان دینی و خطیبان مساجد و دادن مستمری به آنان و فراهم نمودن مایحتاجشان، در همین جهت میتواند باشد. از جانب دیگر عالمانی مانند غزالی براحتی خواسته‌های حکومت را نمی‌پذیرفتند و با آوردن بهانه‌های مختلف از رفتن به حضور آنها و یا خدمت در دستگاه حکومت خودداری میکردند؛ به‌عنوان

مثال غزالی در پاسخ نامه دستگاه خلافت که او را به تدریس در نظامیه بغداد فراخوانده، با آوردن بهانه‌های مختلف از رفتن سر باز می‌زند:

عذر آنست که از عاج از وطن میسر نشود الا در طلب زیادت دین یا زیادت دنیا اما از زیادت اقبال دنیا و طلب آن بحمدالله تعالی که از پیش دل برخاسته است، اگر بغداد را بطوس آورند بی- حرکتی و ملک و مملکت غزالی را مهیا و صافی و مسلم دارند و دل بدان التفات کند، مصیبت ضعف ایمان بود ... اما زیادت دین لعمری استحقاق حرکت و طلب دارد و شک نیست که افاضت علم آنجا میسر تر است و اسباب ساخته تر و طلبه علم آنجا بیشترند لیکن ... اینجا قرب صد و پنجاه مرد محصل متورع حاضرند و با استفادت مشغول و نقل ایشان و ساختن اسباب آن متعذر و فرو گذاشتن و رنجاندن این جماعت بامید زیادت عدد جای دیگر رفتن رخصت نیست. عذر دوم آنست که ... امروز علائق و فرزندان پیدا آمده‌اند و عذر سیم آنکه چون بر سر تربت خلیل علیه- السلام رسیدم در سنه تسع و ثمانین و اربعماید و امروز قریب پانزده سالست سه نذر کردم یکی آنکه از هیچ سلطانی هیچ مالی قبول نکنم و دیگر آنکه به سلام هیچ سلطانی نروم سوّم آنکه مناظره نکنم ... و در بغداد از مناظره کردن چاره نباشد و از سلام دارالخلافه امتناع نتوان کرد و در آن مدت که از شام باز رسیدم در بغداد بکس سلام نکردم و مسلم بودم بحکم آنکه در هیچ شغل صاحب تصرف نشدم، باختیار خود منزوی بودم، چون در میان کاری باشم البته مسلم نتوانم زیست و معظم‌ترین عذر معین اینست که چون از سلطان مال نستانم و ببغداد ملکی ندارم راه تعیش بسته بود ... در جمله چون عمر دیر کشید وقت وداع فراقست نه وقت سفر عراق» (مکاتیب فارسی، غزالی: ۴۲).

بررسی الگوی زاهدانه در بافت اجتماعی دوره غزالی و نحوه تعامل او با صاحبان قدرت نشان می‌دهد که فقدان عناوین، القاب، دعا و ثنا در مقدمه نامه‌هایش شگردی در حفظ اقتدار نویسنده در برابر صاحبان قدرت و به رخ کشیدن قدرت عالمان و زاهدان است. در نامه‌های مولانا که شاید تعبیر الگوی واعظانه برای آنها مناسب باشد، وضعیت مقدمه نامه‌ها به گونه‌ای متفاوت است؛ بعنوان مثال در آغاز نامه‌های مولانا برای مخاطب القاب و عناوین متعدد آمده است، نمونه: به فخرالدین علی صاحب عطا در سفارش یکی از فرزندان خود؛

سایه عدل و رأفت ملک‌الوزراء، ناشرالخیرات، مغيث‌الخلایق، اب‌الملوک و السلاطین، بر کافه اسلامیان، سالهای نامحصور باقی باد! سلام و دعا از سر صدق و وفا و وفور هوی رسانیده می‌آید و شکر ایادی و احسان و عنایتهاکه فرموده‌است در حق این داعی و برادران و متعلقان این داعی در شرح و بیان و تسطیر بنان در نیاید. در این وقت، فرزند و داعی‌زاده متوجه رحمت و عنایت موظف قدیم ملک‌الوزراست و جز آن عنایت و آن لطافت امروز پناه طالبان نیست تا در سایه رحمت از تاب و سوزش مزاحمان خلاص یابد ... توقع میدارم که وظیفه کهنرنوازی و عنایت قدیم بر وی گستراند، که آن دولت مستدام باد! آمین یا رب العالمین (مولوی، ۱۳۷۱: ۱۱۶).

اگر این ویژگی خارج از نحوه تعامل نویسنده با نهادهای قدرت و ایدئولوژی پنهان متن مورد توجه قرار گیرد، ممکن است تفاوت آشکاری بین شخصیت مولانا در نامه‌ها، مثنوی و غزلیات شمس به نظر برسد و مولانا نه آن عارف بریده از دنیا در مثنوی و نه آن روح بی-تعلق بی‌پروا در غزلیات شمس، بلکه شخصیتی وابسته به قدرت حاکم و متملق و چرب‌زبان تلقی شود. در حالیکه اگر این ویژگی را در قالب یک فرآیند و با توجه به اندیشه‌های بنیادی تصوف بررسی کنیم، در شناخت متن و اندیشه‌های مطرح در آن به توصیفات از این قبیل میرسیم: در این نامه‌ها، مولانا از شیوه ترغیبی استفاده میکند و آوردن القاب و عناوین متعدد و دعای مخاطب، حاصل تعامل صلح‌باورانه نویسنده با جریان قدرت است. او با جهت‌گیری مثبت و بکارگیری شیوه‌های ترغیبی، مخاطب را به فرارگرفتن در مسیر الهی و به جود و احسان و نیکی تشویق میکند تا مقاصد نوع‌دوستانه مطرح در نامه را به انجام رساند. اهداف نامه‌های مولانا مواردی است مانند درخواست کمک مالی برای شخصی بدهکار، آزادکردن یک زندانی، درخواست عفو و بخشایش گناهکاران و ...

بنابر آنچه گفته شد، در الگوها، ویژگی‌های هر گونه در قالب تعامل با نهادهای اجتماعی (نهاد قدرت، تصوف، علم، زهد و ...) و با توجه به ایدئولوژی پنهان متن بررسی میشود و به تغییرات هر گونه بر حسب موقعیت و در جریان تعامل با نهادها و ارتباط‌های واقعی افراد، پرداخته میشود.

نتیجه:

در این پژوهش، نامه‌ها بر مبنای بافت بیرونی (موقعیت فیزیکی یا اجتماعی متن و به عبارت دیگر فضایی است که نامه در آن به نگارش درآمده است) و موقعیت متن (نویسنده، مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی او، مخاطب، مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی او، نوع رابطه نویسنده و مخاطب و هدف متن یا همان نقش و کارکرد آن) رده‌بندی و توصیف شده‌اند. بر مبنای بافت بیرونی به دو زیرگونه درباری و غیردرباری، و بر مبنای مقام و موقعیت نویسنده به زیرگونه‌های صوفیانه، زاهدانه، منشیانه، نامه‌های اهل سیاست و اهل ادب، بر اساس مقام و موقعیت مخاطب نامه‌های درباری و یا نامه‌های معطوف به نهاد قدرت به انواع نامه به پادشاهان، وزیران، امیران، قاضیان، دبیران، فقیهان و عالمان، بر مبنای نوع رابطه نویسنده و مخاطب به انواع نامه‌های رسمی و غیررسمی و بر اساس نقش یا کارکرد اصلی، نامه‌ها به انواع ارشادی، اندرزنامه، اطاعتنامه، تهنیت‌نامه، بشارتنامه، دلجویی‌نامه، عفونامه، سفارشنامه، شوقنامه و درخواست دیدار، عهدنامه، فتحنامه، و واگذاری مشاغل گوناگون با عنوانهایی مانند منشور ولایت، منشور وزارت، منشور قضا، تقلید خطابت، تقلید

تدریس مدرسه، تقلید نقابت سادات و ... دسته‌بندی شده است. در پایان، مطالعه مجموعه ویژگیهای هریک از زیرگونه‌ها در قالب تعامل با نهادهای اجتماعی (نهاد قدرت، تصوف، علم، زهد و ...) و ارتباطهای واقعی افراد، و نیز با توجه به ایدئولوژی پنهان متن و تغییرات هر گونه بر حسب موقعیت مورد توجه قرار گرفت.

فهرست منابع :

- ۱- آراگون، لویی (۱۳۳۷)، نامه‌های تیرباران‌شده‌ها، ترجمه محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر.
- ۲- آل‌احمد، جلال (۱۳۶۴)، نامه‌های جلال آل‌احمد، گردآورنده علی دهباشی، تهران: پیک.
- ۳- الکساندر سرگی‌ویچ (۱۳۵۶)، نامه‌های الکساندر گریبایدوف درباره ایران مربوط به سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، تهران: ثقفی.
- ۴- امیرکبیر، تقی (۱۳۷۱)، نامه‌های امیرکبیر بانضمام رساله نوادرا لامیر، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ۵- بغدادی، بهاء‌الدین محمد بن مؤید (۱۳۱۵)، التوسل الی الترسل، مقابله و تصحیح احمد بهمنیار، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۶- بولارد، سرریدر (۱۳۷۱)، نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه سر ریدر بولارد، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: طرح نو.
- ۷- بهار، محمدتقی (۱۳۶۹)، سبک‌شناسی، تهران: سپهر.
- ۸- بیهقی، ابولفضل (۱۳۶۸)، تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب‌رهر، تهران: سعدی.
- ۹- حاج‌آقابابایی، محمدرضا (۱۳۸۲)، «بررسی نثر در دوره قاجار و تعیین حوزه‌های آن»، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۰- حداد عادل، غلام‌علی (۱۳۸۱)، «ارزش ادبی مکتوبات مولانا»، نامه فرهنگستان، دوره پنجم، شماره سوم، صص ۱۷۸-۱۹۸.
- ۱۱- _____ (۱۳۸۱)، «چهره مولانا در آلبوم شخصی او»، نامه فرهنگستان، دوره پنجم، شماره سوم، صص ۵-۲۶.
- ۱۲- حمیدالله، محمد (۱۳۶۵)، وثائق، نامه‌های حضرت ختمی مرتبت و خلفای راشدین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر بنیاد.
- ۱۳- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۸)، نامه‌های سیاسی دهخدا، تهران: روزبهان.
- ۱۴- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان (۱۳۳۳)، در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال، تهران: علمی.
- ۱۵- رشیدالدین، وطواط (۱۳۳۸)، نامه‌های رشیدالدین وطواط، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ۱۶- زریاب، عباس (۱۳۵۴)، نامه‌های ادوارد براون به سید حسن تقی‌زاده، تهران: کتاب‌های جیبی.
- ۱۷- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۷۹)، مکاتیب سنایی، تهران: انتشارات ادبی و تاریخی.
- ۱۸- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۶)، نهج‌البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
- ۱۹- عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد (۱۳۴۸)، نامه‌های عین‌القضات همدانی، تصحیح علینقی منزوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۰- غزالی طوسی، محمد (۱۳۶۲)، مکاتیب فارسی غزالی: فضائل‌الانام من رسائل حجة‌الاسلام، تصحیح عباس اقبال، تهران: امیرکبیر.
- ۲۱- ظهیرالدین نیشابوری (۱۳۳۲)، سلجوقنامه، تهران: گلاره خاور.
- ۲۲- فضائلی، مریم (۱۳۸۸)، «بررسی سه متغیر زبانی شیوه بیان، صورت‌های ارجاعی (ضمایر) و القاب در مکتوبات مولانا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۳- قائم‌مقام، ابوالقاسم بن عیسی (۱۳۵۸)، نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی (درباره معاهده صلح ترکمانچای و غرامات آن)، گردآورنده و مصحح جهانگیر قائم‌مقامی، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- ۲۴- قطب شیرازی، عبدالله (۱۳۵۶)، مکاتیب عبدالله قطب بن محیی، تهران: خانقاه احمدی.
- ۲۵- کمال‌الملک، محمد (۱۳۶۴)، نامه‌های کمال‌الملک، تهران: بزرگمهر.
- ۲۶- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۸)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، تهران: آگاه.
- ۲۷- منتجب‌الدین بدیع جوینی، علی بن احمد (۱۳۲۹)، عتبه‌الکتبه، تهران: چاپ سربی.
- ۲۸- مولانا، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۷۱)، مکتوبات مولانا جلال‌الدین رومی، تصحیح توفیق هـ سبحانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۹- مینوی، مجتبی (۱۳۱۱)، نامه تنسر، تهران: مطبوعه مجلس.
- ۳۰- یزدانیپور، احمد (۱۳۷۵)، «حسینعلی خان نظام گروسی و مجموعه مکاتیب او»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

-۳۱

Abd el-Mohsen Bakir. 1970, Francis Xavier J. Exler. 2003, A Study in Greek Epistolography: The Form of the Ancient Greek Letter.

-۳۲

Leech, G.N., 1985, principles of pragmatics, London: Longman. Momin

-۳۳

Mohiuddin. 1971, The chancellery and Persian epistolography under the Mughals, from Babur to Shah Jahan, 1526-1658;: A study on Insha, Dar al-Insha, and Munshis based on original documents, Unknown Binding.